



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۲/۱۷



بنیاد حقوق قربانیان

شکست قشون سرخ شوروی وقت نماد یک پارچگی ملت افغانستان



آنگاه که ابر قدرت روسی اولین شکست اش را در افغانستان تجربه کرد

۲۶ دلو ۱۳۶۷ هجری شمسی/۱۵ فبروی ۱۹۸۸

روز بیست و ششم دلو مطابق ۱۵ فبروری، مصادف است با روز خروج قوای نظامی شوروی سابق از افغانستان. پس از نه سال جنگ جنرال بوریس گروموف، قوماندان فرقه چهل قشون سرخ آخرین فردی بود که با عبور از پل سرحدی میان افغانستان و ازبکستان در سال ۱۳۶۷ هـ ش حضور ناکام قوای شوروی در افغانستان را ناشیانه پایان اعلام کرد. این جنگ میلیون ها کشته، زخمی، معلول و آواره بر جا گذاشت.

عوامل

قوای سرخ شوروی به تاریخ ششم جدی ۱۳۵۸ هـ ش برای حمایت و جلوگیری از سقوط حکومت حزب دموکراتیک خلق به افغانستان حمله کرد و با آوردن قشون بیش از یک صد هزار نفری افغانستان را رسماً در اشغال خود قرار داد. مجموعاً میزان اولیه قوای روسی در افغانستان حدود ۸۰۰۰۰ سرباز، ۱۸۰۰ تانک و ۲۰۰۰ زرهپوش جنگی بود. مردم مجاهد افغانستان در مقابل رژیم دست نشاندۀ روسها قبل از حمله نظامی به افغانستان و بعد از آن با محدودترین امکانات، اما با بزرگترین قربانی های جانی و مالی اولین و فاحش ترین شکست قشون سرخ را در تاریخ رقم زدند.

عکس العمل ها:

تهاجم شوروی در افغانستان، انعکاسات جهانی زیادی را به همراه داشت. پس از حمله نیروهای نظامی شوروی به خاک افغانستان، سازمان ملل متحد طی صدور قطعنامه ای با ۱۰۴ رأی موافق در مقابل ۱۸ رأی مخالف، نسبت به تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان اعتراض کرد. جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده امریکا عملکرد شوروی را در افغانستان بزرگترین و جدی ترین تهدید برای صلح پس از جنگ جهانی دوم خواند. به همین ترتیب وزیرای خارجه ۳۴ کشور اسلامی با صدور بیانیه ای خواستار خروج سریع و بدون قید و شرط قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان شدند.

پیآمد ها

در مورد تلفات این جنگ ۱۰ ساله ارقام متفاوت ارائه شده است. اشغال نظامی افغانستان توسط روسها یک و نیم میلیون کشته، بیش از شش میلیون آواره و بیشتر از دو میلیون بیجا شده را در پی داشته است. این جنگ بیش از یک میلیون معلول جنگی به جا گذاشت و همچنان جان ۱۴۰۰۰ افسر و سرباز شوروی را نیز گرفت. در کنار تلفات بزرگ جانی و در پی پالیسی زمین سوخته قشون سرخ قسمت اعظم زیربنا ها نابود و روستا های افغانستان ویران گردیدند.

دیگو کوردوویز، نماینده ملل متحد در امور افغانستان در کتابش به نام "پشت پرده افغانستان" شمار سربازان حاضر و تعداد تلفات قشون سرخ را در زمان امضاء معاهده ژنیو، که به اساس آن روسها از افغانستان عقب نشینی کردند، اینگونه قلمداد میکند: بیش از صد هزار سرباز در افغانستان در ۱۸ پایگاه حضور داشتند و ۳۰ هزار نفر دیگر خارج شده بودند. تا زمان آغاز خروج قوای شوروی ۱۳۳۰۰ تن در افغانستان کشته شده بودند. همچنان ۳۵۴۷۸ سرباز زخمی شده و ۳۱۱ سرباز ناپدید گردیده بودند.

خروج یا عقب نشینی

ورود میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در مارچ ۱۹۸۵م و تفکر جدید او در سیاست خارجی و داخلی مهم ترین عامل در عزم آن کشور به خروج از افغانستان شد. همزمان با تداوم جنگ، شمار زیادی از قوای شوروی کشته شدند. میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی این جنگ را «زخم ناسور» خواند.

دیگو کوردوویز همچنان در کتابش به نام "پشت پرده افغانستان" مینویسد که در یکی از دیدارهایش با داکتر نجیب، او برای نخستین بار اعلامیه ای از پیش آماده شده دولت شوروی را به وی نشان داد که آغاز خروج قوای شوروی از افغانستان را مشخص کرده بود. در این اعلامیه آغاز خروج ۱۵ می ۱۹۸۸م تعیین شده و براساس آن باید در ده ماه تکمیل می شد.

حقیقت این است که همزمان با تغییرات در رهبری حزب کمونیست شوروی سابق، به دلیل طولانی شدن جنگ افغانستان و هزینه سرسام آور اقتصادی و تبعات جبران ناپذیر اجتماعی این جنگ رهبران شوروی احساس مجبورت میکردند تا از افغانستان خارج شوند. میخائیل گورباچف به دنبال اعلام سیاست اصلاحات اقتصادی و تغییر در سیاست خارجی کشورش (پالیسی های گلاسنوست و پریسترویکا) پای اردوی شوروی را از جنگ افغانستان که آنرا «زخم ناسور» میخواند بیرون کرد.

طی سالهای دهه هشتاد میلادی جنبش مقاومت مجاهدین افغانستان با جانفشانی و رشادت بی نظیر و پشتیبانی بین المللی در برابر قشون پُرمصرف و مجهز سرخ اقبال پیروزی یافت و الهام بخش جنبش های آزادیخواهی در کشور های اقمار شوروی سابق گردید. چنانچه در هم ریختن دیوار برلین و آزادی جمهوریت های اروپای شرقی و جمهوریت های اتحاد شوروی سابق را باید مدیون مبارزه و مقاومت مجاهدین افغان دانست.

دیدگاه های مقاومتگران و متجاوزان

تجاوز شوروی در افغانستان در سال ۱۹۸۹م پایان یافت اما زخم ها و آلام فزینگی و روحی فراوانی را هم بر جسم و روح افغان ها و هم بر پیکر نظامیان روس برجا گذاشت.

یک فرمانده مجاهدین که در آن زمان یک گروه ۱۲ نفری را رهبری میکرد، ثمره اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی وقت را جز بدبختی و ویرانی به مردم افغانستان چیز دیگری نمی داند. او معتقد است که جهاد در برابر

روس‌ها رسالت دینی‌اش بوده است، زیرا روس‌ها افغانستان را اشغال کرده بودند و به ترویج کمونیسم و کفر می‌پرداختند.

شخص دیگری که در سال‌های ۱۹۸۰ در حوالی کابل در صفوف مجاهدین بر ضد نظامیان روس می‌جنگید می‌گوید که پایان اشغال شوروی در افغانستان، سرآغاز جنگ‌های قدرت طلبی گردید که تا امروز آتش جنگ در این کشور خاموش نشده است.

و بصورت عام دیدگاه عمومی مردم آزادی خواه افغانستان این است که با سقوط آخرین حکومت تحت حمایت قشون سرخ (حکومت نجیب الله) در دهه هفتاد هجری شمسی طرفین درگیر (تنظیم‌های سیاسی و جنرالان انشعاب یافته از حکومت نجیب) با آغاز جنگ‌های قدرت طلبی از یک طرف مرتکب خیانت به خونبهای شهدای راه آزادی، مجاهدین و استقلال کشور شده و افغانها فرصت آنرا نیافتند تا حکومت عدل انصاف را پایه‌گذاری نمایند و روسها را به جوابگویی فراخوانند و از آنها غرامت جنگی را مطالبه نمایند. و از طرف دیگر سبب شدند تا صفحه جدید آمیخته با خون و تجاوز در کشور باز شود.

اما روایت نظامیان پیشین روس از جنگ در افغانستان چیز دیگر است. با گذشت چهاردهه، هنوز هم برخی نظامیان پیشین روس بر ضرورت تهاجم قشون سرخ بر افغانستان مهر صحنه می‌گذارند.

یک نظامی پیشین قشون سرخ که ۱۶ ماه در افغانستان به صفت افسر کشف وظیفه اجرا کرد، اعزام نظامیان شوروی وقت را به افغانستان تصمیم درست می‌خواند. او که در اثر انفجار ماین در افغانستان زخمی شد و به گفته خودش برای یکماه بی‌هوش و بین مرگ و زندگی در تقلا بود و پس از نجات از مرگ هم برای همیش معلول و نابینا شد. با این حال او با تایید بر درست بودن جنگ شوروی در افغانستان می‌گوید: کشور بزرگی مانند کشور ما باید بر آنچه در مناطق همجوارش اتفاق می‌افتد، کنترل داشته باشد.

اما خاکی موف یک افسردیگر قشون سرخ شوروی پیشین که در ولایت هرات باقی مانده است، می‌گوید که هیچ‌گاهی به کشورش بر نخواهد گشت. او که در آن زمان منحصی افسر استخبارات اردوی سرخ در ولسوالی شیندند کار میکرد، پس از زخمی شدن اسیر مجاهدین هرات شد، می‌گوید اکنون افغانستان را بیشتر از کشور آبایی اش دوست دارد. وی که بعداً به دین اسلام مشرف شد، در شهر هرات با یک زن افغان ازدواج کرد و پدر یک دختر است. او می‌گوید که بعد از زخمی شدنم همه ارتباطاتم با ارتش سرخ قطع گردید. من در افغانستان باقی ماندم، سپس مسلمان شدم و تصمیم گرفتم بر نگرمد. حالا از مسلمان شدنم و از ماندنم در افغانستان پشیمان نیستم و افغانستان را دوست دارم. در کنار وی دو سرباز دیگر روسی نیز در ولسوالی ادرسکن و شهر هرات زندگی میکنند.

حضور قشون سرخ در افغانستان هم در آن وقت و هم اکنون به شدت میان مردم عام روسیه مطلوب و پذیرفتنی نیست. با این حال کمیته امور دفاعی پارلمان روسیه زیر فشار شدید نظامیان پیشین روس اکنون از لایحه ای حمایت کرده است که گویا قشون سرخ حکومت وقت افغانستان را کمک کرد تا بر ضد "گروه‌های دهشت افکن و افراط‌گرا" مقابله کرده و از گسترش تهدیدات امنیتی به سمت اتحاد شوروی وقت جلوگیری کند.

روح شهدای راه آزادی و استقلال افغانستان شاد!

آزاد افغانستان سر بلند ملت آریانا مهد مردان تاریخ در جهان

پایان